

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد      بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

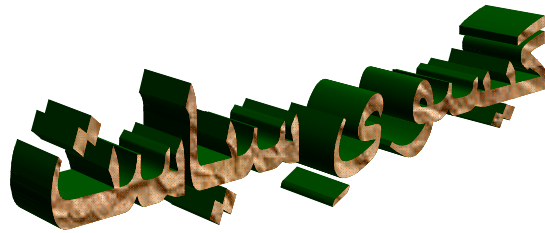
[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان



افسانه و سی سانه ، چل دزد ، به یک خانه  
افتاده به جان هم ، چون وحشی و دیوانه  
پخت و پز بدماشان ، با هیزم پاکستان  
مرچ و نمک ایران ، دال است پرهیزانه  
یونو شده دایرکتر ، در فلم چپاولگر  
سوزد همه خشک و تر ، فوری و عجولانه  
ناتوی هنرپیشه ، بگرفته بکف ، تیشه  
تا قطع کند ریشه ، بارول شریفانه  
امریکه و بدماشی ، بر زخم ، نمک پاشی  
با طایفه ناشی ، صد مرتبه روزانه  
از یکطرفی انگلیس ، از سوی دگر ابلیس  
گیسوی سیاست را ، با مکر کنند شانه  
اعراب جنایتگر ، بانوکر و با چاکر  
از خون وطنداران ، بالا زده پیمانہ

مخلوطِ دیانت شد ، از بسکه سیاست ها  
پس صاحبِ فتوا بین ، هر جاهل و دیوانه  
از لندن استعمار ، بی قیزه و بی افسار  
چون کارتکی اشرار ، در نقدِ شیرانه  
گویند! ز بهر چه ، جولانِ قلم دارد؟  
بر لنگی و ریش و پشم ، این شاعر پُرچانه  
بر صبغت و سیاف و ، گلبدین و ، ربانی  
شلاقِ ادیبانه ، هر هفته ، دو سه دانه  
گاهی به سرِ سیرت ، گاهی به پسِ ارشاد  
از بعثت و از بعثت ، با واژه لُوشانه  
عرفان و هم از عرفان ، از سهوِ پروفیسر  
از لشمک و از نرمک ، با قصه و افسانه  
**بر داکتر استنجا ، پوهاند وضوکردن**  
**انجنیر غُسل و ، اُستاد مریضانه**  
شعرش به همه جاری ، حتا ، به عزیزانش  
فی المحفل و فی المجلس فی اللحظة و فی الآنه  
آری به خدا ، برحق ، گوید ، همین آقا  
چون عادتِ شان گشته ، هر هفته ، و ماهانه  
آغاسی و شاغاسی ، ملا و چلی زاده  
در فکرِ مفادِ خود ، با صحبتِ پُوسانه  
در دیگ ، ملازاده ، هر لحظه پَزد آشی  
تفریقِ مذاهب را ، با شیوه رندانه  
بالنگی و با کلاه ، با چادر و با چلتار  
با ریشِ چو زنبیلش ، از خود شده بیگانه  
بیگانه چه میداند ، از سوزِ دلِ افغان  
ای هموطنانِ رحمی ، بر میهنِ ویرانه  
گه دوستم و ربانی ، گه طالب و گلبدین  
با چک چکی های خود ، در کارِ رذیلانه  
با نامِ مجاهدین ، هر کارتکی بی دین

از مسجدِ ترکی ها جمع کرده زر و دانه  
 نصفش بر گلبدین ، از بهرِ جحادی ها  
 نصفِ دگرش در جیب ، تا خانۀ شاهانه  
**این چک چکیها دایم ، مثلِ خرِ اعرابند**  
**پشتاره به خود بندند ، با عرعرِ مستانه**  
 خواهش کنم از ایشان ، قدری به شعور آیند  
 تا معنی اشعارم ، را درکِ شریفانه  
 بیهوده نجسپانند ، بر چادر و ریشِ خود  
 دُرْدانۀ نقدم را ، بی حُرمت و شرمانه  
 «نعمت» به سخن دارد بر دردِ جهان درمان  
 گر "فهم بلندان" را ، عقل است سلیمان

### شرح بعض لغات:

- "کارتکی" به کسی گویند که "کارت" هر حزب و گروه را در جیب دارد، یعنی "ابن الوقت"
- "چک چکی" آنست که برای هر کس "چک چک" کند، یعنی "دنباله رو" و باصطلاح کابلی "سگ هر سوار"
- "جحادی" یعنی "منکر" و "انکار گر"، که با "جهاد" مقدس هیچ رابطه ای ندارد!!!!
- **"داکتر استنجا"** ، "پوهاندِ وضوکردن" ، **"انجنیرِ غُسل"** و **"اُستادِ مریضانه"** خود مفهوم اند و نیازی به شرح ندارند.

( اول مارچ 2010 )